

چهل حدیث از امیرالمؤمنین (علیه السلام)

<"xml encoding="UTF-8?">



مقدمه

نگاشتن رسائل چهل حدیث یکی از سنت‌های عالمان و محدثان اسلامی بوده است، چرا که از پیامبر اکرم علیه السلام روایت‌های متعدد است که در باب حفظ چهل حدیث آمده است «من حفظ علی أمتی أربعین حدیثاً...»، و علامه مجلسی علیه الرحمة - که هم خود و هم پدرش نیز چهل حدیثی نگاشته اند - باب جداگانه‌ای برای حفظ اربعین حدیث در بحار الأنوار ترتیب داده است و در آن روایات بسیاری را که از کتب و مجموعه‌های حدیثی متعدد گردآورده است نگاشته، و در آخر فرموده که این مضمون در بین خاصه و عامه مشهور و مستفیض است، بلکه متواتر است. از میراث کهن شیعی الأربعون حدیثاً من الأربعین عن الأربعین شیخ منتجب الدین رازی بسیار مورد عنایت بوده است و از قرون متأخر نیز اربعین شیخ بهائی.

مراد از حفظ در این حدیث می‌تواند به یاد سپردن لفظ چهل حدیث یا عمل به چهل حدیث، یا تدبر در مراد این احادیث باشد. همچنین می‌تواند کتابت چهل حدیث باشد که از اظهر مصادیق حفظ است. از این رو علمای سلف بر نگاشتن رسائل چهل حدیث همت گماشته‌اند، گاهی با شرح و بیان و گاه بی شرح، گاه با عنوان خاص - مثل لسان الصادقین و الرسالة العلیة و الماء المعین و سلّم درجات الجّنة و لباب الأحادیث - و گاه با عنوان عام چهل حدیث، گاه با موضوع معین - مثل احادیث اخلاقی، احادیث معرفتی و اصول دین یا طب یا احادیث فضائل و مناقب و حتی يك بحث فقهی و خلاقی خاص مانند مسح رجلین - و گاه با موضوعات مختلف، گاه با ترتیب حروف هجاء و گاه بی ترتیب. برای آنکه نگاهی اجمالی بر رونق چهل حدیث نویسی بیندازیم کافی است بی آنکه به دنبال عناوین خاص باشیم، فقط نگاهی به «الأربعون حدیثاً» در الذریعة شیخ آقابزرگ تهرانی و کشف الظنون بیندازیم.

از این سنت که تا امروز نیز ادامه یافته است، نمونه‌ای هست که علامه امینی رضوان الله علیه، در مطاوی کتاب المقاصد العلیة آورده است. ایشان برای فوایدی که در بحث‌های خود در این کتاب آورده است احادیثی را نقل کرده و در سه موضع، اقدام به جمع چهل حدیث کرده است. ایشان این هر سه را در ضمن مطلب اول کتاب آورده است.

با توفیق الهی، ترجمه فارسی کتاب المقاصد العلیة علامه امینی رحمه الله علیه را به محض آماده شدن متن آن، و پیش از انتشار متن عربی آن، آغاز کردم، و امیدوارم به زودی آماده نشر شود. ترجمه اولین چهل حدیثی را که در ضمن این کتاب آمده است به بهانه مجلس رونمایی این کتاب تقدیم می‌کنم. همه این احادیث از امیرالمؤمنین علیه السلام است و موضوع آنها، متناسب با موضوع مطلب اول، حیات قلب است و احوال و آثاری که از ایمان و عمل خیر و گناه، بر قلب عارض می‌شود.

چهل حدیث

۱. «عن رئیس الموحّدين أميرالمؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام: «من سكن قلبه العلم بالله سكنه الغنى عن خلق الله» (1)

۱. آنکه علم به خدا در قلبش جای گرفت، بی نیازی از خلق خدا، در او جای می‌گیرد.

۲. وعنه عليه السلام: «من عظمت الدنيا في عينه، وكبر موقعها في قلبه (2) أثرها على الله تعالى وانقطع إليها وصار عبداً لها» (3)

۲. هر که دنیا در چشمش بزرگ نماید، و در قلبش جایگاه بزرگی یابد، آن را به جای خداوند بگزیند و به سوی آن منقطع خواهد شد (یعنی از غیر دنیا بریده و فقط به دنیا خواهد پرداخت) و بنده آن خواهد شد.

۳. وعنه عليه السلام: «غير منتفع بالعظاات قلباً تعلّق بالشّهوات» (4)

۳. قلبی که به شهوات تعلق گیرد، از پند و موعظه، منفعتی نیابد.

۴. وعنه عليه السلام: «فمن الإيمان ما يكون ثابتاً مستقراً في القلوب، ومنه ما يكون عواری بين القلوب والصدور» (5)

۴. برخی از ایمانها در دلها ثبات و قرار یافته، و برخی دیگر، میان دلها و سینه‌ها ناپایدار است.

۵. وعنه عليه السلام: «قد قادتكم أزمة الحين واستغلقت على قلوبكم أقفال الرّين» (6)

۵. مهارهای هلاکت، شما را می‌کشد، و قفل‌های شک و گمراهی بر دلهای شما نهاده شده است.

۶. وعنه عليه السلام: «قلوب العباد الطاهرة مواضع نظر الله سبحانه، فمن طهر قلبه نظر إليه» (7)

۶. دلهای پاک بندگان، جایگاه نظر خداوند سبحان است. پس هرکه دلش پاک گردد، بدو نظر کند.

۷. وعنه عليه السلام: «إياكم والبطنة! (8) فإنّها مقسأة للقلب» (9)

۷. از پرخوری دوری کنید که دلها را سخت گرداند.

۸. وعنه عليه السلام: «أين الذين أخلصوا أعمالهم لله وطهروا قلوبهم لمواضع نظر الله؟» (10)

۸. کجایند آنان که اعمالشان را خالصانه برای خدا به جای می‌آورند و دلهایشان را برای عنایت و نظر الهی پاک می‌گردانند؟

۹. وعنه عليه السلام: «أفضل القلوب قلبٌ حشى بالفهم» (11)

۹. برترین دلهای آن است که از فهم پر شده باشد.

۱۰. وعنه عليه السلام: «أصل صلاح القلب اشتغاله بذكر الله تعالى» (12)

۱۰. ریشه درستی دل، آنست که با یاد خدا سرگرم شود.

۱۱. وعنه عليه السلام: «أصل قوة القلب التوكل على الله» (13)

۱۱. ریشه قوت قلب، توکل بر خداست.

۱۲. وعنه عليه السلام: «في الذكر حياة القلوب» (14)

۱۲. یاد خدا، زنده بودن دلهاست.

۱۳. وعنه عليه السلام: «من كثّر ضحكهُ مات قلبه» (15)

۱۳. هر که خنده‌اش بسیار گردد، دلش می‌میرد.

۱۴. وعنه عليه السلام: «حرامٌ على كلِّ قلبٍ متولٍّ بالدنيا أن تسكنه التقوى» (16)

۱۴. دلی که شیفته دنیا باشد، تقوی در او جای نگیرد.

۱۵. وعنه عليه السلام: «حبُّ الدنيا يفسد العقل ويصم القلب عن سماع الحكمة» (17)

۱۵. دنیادوستی، عقل را فاسد گرداند و دل را بر شنیدن حکمت کر کند.

۱۶. وعنه عليه السلام: «حزن القلب يمحّص الذنوب» (18)

۱۶. اندوه دل، گناهان را از هم می‌پاشد.

۱۷. وعنه عليه السلام: «عليك بذكر الله فإنه نور القلوب» (19)

۱۷. بر تو باد یاد خداوند، که نور دلهاست.

۱۸. وعنه عليه السلام: «خيرُ الدعاء ما صدرَ عن صدرٍ تقى وقلبٍ نقى» (20)

۱۸. بهترین دعا، آن است که سینه پرهیزگار و دل پاک برآید.

۱۹. وعنه عليه السلام: «احذروا أهل النفاق! فإنهم الضالّون المضلّون والزالّون المزلّون، قلوبهم رديّةٌ وصفاتهم

نقیّة» (21)

۱۹. از منافقان بپرهیزید، که گمراهانند و گمراه کننده، لغزشگرانند و لغزاننده، دلهایشان ناپاک است و [در ظاهر]

صفاتشان پاکیزه.

۲۰. وعنه عليه السلام: «أحى قلبك بالموعظة وأمّته بالزّهادة» (22)

۲۰. دلت را به موعظه زنده دار و [هوس های آن را] به زهد و دوری از دنیا، بمیران.

۲۱. وعنه عليه السلام: «إِنَّ الزَاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا لَتَبْكِي قُلُوبُهُمْ وَإِنْ ضَحَكُوا» (23)

۲۱. زاهدان در دنیا، اگرچه بخندند، دلهایشان گریان است.

۲۲. وعنه عليه السلام: «إِنَّ النَّازِرَ بِالْقَلْبِ الْعَامِلَ بِالنَّظَرِ يَكُونُ مَبْتَدَأَ عَمَلِهِ أَنْ يَنْظُرَ عَمَلَهُ عَلَيْهِ أَمْ لَهُ» (24)

۲۲. آن که به دیده دل بنگرد و با بینش به عمل بپردازد، در آغاز هر کار می‌اندیشد که به نفع اوست یا به ضررش.

۲۳. وعنه عليه السلام: «إِذَا مُلِيَ الْبَطْنُ مِنَ الْمَبَاحِ عَمِيَ الْقَلْبُ عَنِ الصَّلَاحِ» (25)

۲۳. اگر شکم از مباح پر گردد، دل از دیدار خیر و صلاح کور شود.

۲۴. وعنه عليه السلام: «ثَمَرَةُ الذِّكْرِ اسْتِثَارَةُ الْقُلُوبِ» (26)

۲۴. نتیجه یاد خدا، روشنی دلهاست.

۲۵. وعنه عليه السلام: «دَوَامُ الذِّكْرِ يَنْبِيئُ الْقَلْبَ وَالْفِكَرَ» (27)

۲۵. استمرار یاد خدا، دل و فکر را نورانی کند.

۲۶. وعنه عليه السلام: «ذِكْرُ اللَّهِ جَلَاءُ الصُّدُورِ وَطَمَأْنِينَةُ الْقُلُوبِ» (28)

۲۶. یاد خداوند مایه جلا دادن سینه‌ها و آرامش دلهاست.

۲۷. وعنه عليه السلام: «ذَلَّلَ قَلْبَكَ بِالْيَقِينِ! وَقَرَّرَهُ بِالْفَنَاءِ! وَبَصَّرَهُ بِفَجَائِعِ الدُّنْيَا» (29)

۲۷. دلت را به یقین خوار دار، و به فنا و نیستی خاطرنشان کن، و بر گرفتاریهای دنیا بینا کن.

۲۸. وعنه عليه السلام: «زِينَةُ الْقُلُوبِ إِخْلَاصُ الْإِيمَانِ» (30)

۲۸. زیور دلهای، اخلاص در ایمان است.

۲۹. وعنه عليه السلام: «صَوْمُ الْقَلْبِ خَيْرٌ مِنْ صِيَامِ اللِّسَانِ» (31)

۲۹. روزه دل، بهتر از روزه زبان است.

۳۰. وعنه عليه السلام: «طُوبَى لِلْمَنْكَسِرَةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ أَجْلِ اللَّهِ» (32)

۳۰. خوشا آنان که از برای خدا دلشکسته‌اند.

۳۱. وعنه عليه السلام: «طُوبَى لِمَنْ أَشْعَرَ التَّقْوَى قَلْبَهُ» (33)

۳۱. خوشا آن که دلش را به لباس تقوی بپوشاند.

۳۲. وعنه عليه السلام: «طَهَّرُوا قُلُوبَكُمْ مِنْ دَرَنِ السَّيِّئَاتِ تَضَاعَفَ لَكُمْ الْحَسَنَاتِ» (34)

۳۲. دلهاتان را از چرك گناه پاک کنید تا حسنات شما دوچندان شود.

۳۳. وعنه عليه السلام: «مَنْ غَلَبَتْ عَلَيْهِ الْغَفْلَةُ مَاتَ قَلْبُهُ» (35)

۳۳. آنکه غفلت بر او غلبه یابد، دلش می‌میرد.

۳۴. وعنه علیه السلام: «من أشعر قلبه التقوى فازَّ عمله» (36)

۳۴. آنکه بر دلش لباس تقوی بپوشاند، در کار خود پیروزی یابد.

۳۵. وعنه علیه السلام: «من نسي الله سبحانه أنساه الله نفسه وأعمى قلبه! من ذكر الله سبحانه أحيا قلبه ونور

عقله ولَّبه» (37)

۳۵. آنکه خداوند سبحان را فراموش کند، خداوند خودش را از یاد او ببرد، و دلش را کور گرداند. آنکه خداوند را یاد کند، خدا دلش را زنده می‌گرداند و عقل و خردش را نورانی می‌کند.

۳۶. وعنه علیه السلام: «ما أعظم سعادة من بوشّر قلبه ببرد اليقين» (38)

۳۶. چه سعادت بزرگی دارد آنکه دلش با خوشی و خنکی یقین قرین گشته.

۳۷. وعنه علیه السلام: «لا خير في قلب لا يخشع وعين لا تدمع وعمل لا ينفع» (39)

۳۷. خیری نیست در دلی که فروتنی نکند، و چشمی که اشکریزان نگردد و عملی که سودی نرساند.

۳۸. وعنه علیه السلام: «العلم حياة القلوب ونور الأبصار من العمى» (40)

۳۸. دانش، حیات دلها و مایه روشنی دیدگان از کوری است.

۳۹. وعنه علیه السلام: «لا وجع أوجع للقلوب من الذنوب» (41)

۳۹. دردی برای دلها، دردناکتر از گناهان نیست.

۴۰. وعنه علیه السلام: «المواعظ حياة القلوب» (42)

۴۰. پندها حیات دلهايند.

پی نوشت ها :

۱. عيون الحكم والمواعظ: ۴۶۳، غرر الحكم: ۱۲۸۸.

۲. در شرح ابن ابی الحديد و ابن میثم «من قلبه» آمده است که گویا اصح است.

۳. نهج البلاغه: خطبه ۱۶۰، كنز العمال: ۳/۷۱۹ ش ۸۵۶۳.

۴. غرر الحكم: ۸۴۱ «متعلق بالشهوات»، عيون الحكم والمواعظ: ۳۴۷.

۵. نهج البلاغه: خطبه ۱۸۹، عيون الحكم والمواعظ: ۳۶۰. ملا صلاح مازندرانی در شرح اصول کافی: ۸ / ۱۰۵ در شرح این حدیث گوید: «ایمان را به دو نوع تقسیم کرده است، نوع اول آن است که ایمان به حد کمال برسد، و نوع دوم آنکه به حد کمال نرسیده باشد. از لفظ «عواری» استفاده نموده است، چون این ایمان همانند عاریتی

ناپایدار است. و اینکه به کنایه فرموده است که بین سینحه‌ها و دلها است، مراد آن است که این ایمان قرار نیافته و در جوهر نفس پایدار نگشته است». ابن اَبی الحدید نیز در شرح این کلمات آورده است: «ایمان، یا به برهان، ثابت و پایدار است، که همان ایمان حقیقی است، و گاهی ناپایدار است و برخاسته از دلیل جدلی است، همچون بسیاری از آنان که در براهین علوم عقلی تحقیق نکرده‌اند، این همان است که امام علیه السلام از آن به عاریتی در دل تعبیر کرده است، زیرا که هرچند جای این ایمان نیز در دل است که محل حقیقی ایمان است. اما چون ناپایدار است همچون عاریتی است که در خانه نمی‌پاید. و یا آنکه ایمان ناشی از تقلید و حسن ظنی بر عقیده پیشینیان است، که امام علیه السلام فرموده است عاریتی است بین سینه و دل، و محل آن را قلب قرار نداده است...» شرح نهج البلاغة: ۱۳/۱۰۱.

۶. نهج البلاغة: خطبه ۲۳۷: «والناس... قد قادتهم أزمة الحين واستغلقت على أفئدتهم». شرح نهج البلاغة ابن اَبی الحدید: ۱۳/۱۱۵، عیون الحکم: ۳۶۸، غرر الحکم: ش ۶۶۸۹.

۷. عیون الحکم: ۳۷۲، غرر الحکم: ۹۰۶.

۸. البطنة به کسر باء: آن است که شکم از طعام چنان پر شود که جای نفس تنگ آید.

۹. غرر الحکم: ۸۱۷۲، و امیرالمؤمنین علیه السلام در جای دیگری فرموده است: «البطنة تمنع الفطنة» پرخوری تیزهوشی را از میان می‌برد، غررالحکم: ۸۱۵۱.

۱۰. عیون الحکم: ۱۲۹، تمام نهج البلاغة: ۸۸، ترجمه غرر الحکم از مرحوم شیخ محمد علی انصاری: ۱۷۲/۱.

۱۱. غرر الحکم: ۳۰۷۸.

۱۲. عیون الحکم: ۱۲۰، غرر الحکم: ۳۶۰۸.

۱۳. عیون الحکم: ۱۲۹، غرر الحکم: ۳۸۷۹.

۱۴. غرر الحکم: ۳۶۴۳.

۱۵. عیون الحکم: ۴۳۰، غرر الحکم: ۴۴۷۳.

۱۶. غرر الحکم: ۲۵۲۱.

۱۷. مستدرک الوسائل: ۱۲/۴۱، غرر الحکم: ۸۵۷، عیون الحکم: ۲۳۱.

۱۸. عیون الحکم: ۲۳۳، غرر الحکم: ۹۰۲.

۱۹. عیون الحکم: ۳۳۵، غرر الحکم: ۳۶۴۲.

۲۰. تنبيه الخواطر: ۲/۱۵۴، بحار الأنوار: ۹۰/۳۴۱. مرحوم کلینی این حدیث را آن گونه که در بهج الصباغة: ۷/۳۴،

آمده است از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت فرموده.

۲۱. عیون الحكم: ۱۰۵، غرر الحكم: ۱۰۴۹۴: «قلوبهم دویة وصحافهم نقیة»، این حدیث در ضمن یکی از خطب نهج البلاغه نیز آمده است. ابن أبی الحدید: ۱۰/۱۶۳، شرح نهج البلاغه ابن میثم: ۳/ ۴۲۵، حقائق الحقائق: ۲/۱۳۷.

۲۲. نهج البلاغة: ۳۹۲ فی وصیته لابنه الحسن علیه السلام (نامه‌ها، شماره ۳۱)، عیون الحكم: ۸۵.

۲۳. عیون الحكم: ۱۵۲.

۲۴. عیون الحكم: ۱۵۵، نهج البلاغة: خطبه ۱۵۴.

۲۵. غرر الحكم: ۸۱۵۴.

۲۶. غرر الحكم: ۳۶۳۷.

۲۷. غرر الحكم: ۳۶۵۶.

۲۸. عیون الحكم: ۲۵۶، غرر الحكم: ۳۶۳۹.

۲۹. عیون الحكم: ۲۵۶، غرر الحكم: ۹۰۳.

۳۰. عیون الحكم: ۲۷۶، غرر الحكم: ۱۳۴۲.

۳۱. عیون الحكم: ۳۰۵، غرر الحكم: ۳۳۶۳.

۳۲. عیون الحكم: ۳۱۳، غرر الحكم: ۳۷۱۵.

۳۳. عیون الحكم: ۳۱۴، غرر الحكم: ۵۸۶۴. در حدیثی امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است: «طوبی لمن جعل بصره فی قلبه ولم یجعل قلبه فی عینه» خوشا آنکه دیده در دل دارد، نه دل در دیده. تحف العقول: ۳۰۵. (و در برخی نسخ: وبصره فی نظر عینه). «طوبی» نام درختی است در بهشت. اصل آن «الطیب» بوده، حرف یاء آن به خاطر ضمه پیش از آن، قلب به واو شده. شرح أصول الكافی ملا صالح مازندرانی: ۱۰/۳۱۱، لسان العرب: ۱/۵۶۴.

۳۴. عیون الحكم: ۳۱۸، غرر الحكم: ۹۰۵.

۳۵. عیون الحكم: ۴۴۸، غرر الحكم: ۵۷۶۵.

۳۶. عیون الحكم: ۴۵۹، غرر الحكم: ۵۹۳۲.

۳۷. غرر الحكم: ۳۶۶۶ و ۳۶۴۵.

۳۸. غرر الحكم: ۷۱۵، عیون الحكم: ۳۱۵.

۳۹. عیون الحکم: ۵۳۴ ، غرر الحکم: ۳۷۲۱: «و علم لا ینفع».

۴۰. تحف العقول: ۲۸، بحار الأنوار: ۱/۱۶۶ از أمالی شیخ صدوق.

۴۱. غرر الحکم: رقم ۳۲۱، بحار الأنوار: ۷۳/۳۴۲.

۴۲. عیون الحکم: ص ۶۲ و ۱۷، غرر الحکم: ۴۵۲۳.

برگرفته از المقاصد العلیة

منبع : علی نامه